ابوظبی گرفتار در چنبره جبر جغرافیا، همسایگان قدر و تغییرات آب‌وهوایی

امارات متحده عربی، کوچک بلندپرواز

سجاد عطازاده
مترجم

نیل کوئیلام، پژوهشگر اندیشکده چتم هاوس بریتانیا و صنم وکیل، مسئول برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا این اندیشکده در مقاله «مدیچی‌های خاورمیانه؟ چگونه امارات خیزش خود را طرح‌ریزی می‌کند» که در وبسایت فارن‌افرز منتشر شده است، به بررسی کنشگری فزاینده امارات در سطح منطقه و جهان پرداخته و این گزاره بسیار مهم را مطرح ساخته‌اند که علی‌رغم موفقیت‌های اقتصادی امارات، این کشور همواره در زیر سایه همسایگان قدرتمند خود و همچنین شرایط نامطلوب جغرافیایی که آن را احاطه کرده قرار خواهد داشت.

امارات متحده عربی برای مدت‌ها به دلیل رونق یا رکود بازار املاک، زرق و برق مصرف‌گرای دبی و منابع عظیم نفتی خود شهرت داشت اما طی دو دهه اخیر شهرت این کشور دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. در دوران ریاست جمهوری محمد بن زائد، امارات میلیاردها دلار برای تقویت و نوسازی ارتش هزینه کرده و به چیزی تبدیل شده که جیمز متیس، وزیر دفاع سابق ایالات متحده آن را اسپارت کوچک نامیده است. ابوظبی همچنین خود را به مرکز مالی خاورمیانه نیز تبدیل کرده و به‌علاوه این کشور تقریبا با تمام بازیگران منطقه، از جمله اسرائیل و همچنین با تمامی قدرت‌های جهانی، به‌ویژه ایالات متحده، روابط کاری ایجاد کرده است.

امارات جاه‌طلبی‌های روشنی دارد؛ این کشور خواستار آن است تا به جای اینکه در درجه اول به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای شناخته شود، مشابه سنگاپور شده و از قدرت جهانی و اقتصادی که اصلا تناسبی با وسعت آن ندارد، برخوردار شده و به این ترتیب بر آسیب‌پذیری‌های جغرافیایی خود فائق آید. برای نیل به این مهم ابوظبی قراردادهای تجاری جدیدی منعقد کرده، در پروژه‌های خارج از مرزهای خود سرمایه‌گذاری و خود را به یک مقصد گردشگری و همچنین مرکز حمل‌ونقل و لجستیک تبدیل کرده است.

اگر امارات متحده عربی به جاه‌طلبی‌های خود جامه عمل بپوشاند، تحلیلگرانی که دست به مقایسه خواهند زد می‌توانند از خاندان مدیچی- دودمانی که از قرن پانزدهم تا هجدهم بر فلورانس حکومت می‌کردند- در جایگاه مشبه‌به استفاده کنند. مدیچی‌ها بر قلمرو زیادی حکومت نمی‌کردند و هرگز هم در مرکز درگیری‌های اروپا قرار نداشتند اما با استفاده از تجارت و بانکداری در جهت تاثیرگذاری بر امپراتوری‌های بزرگ‌تری که در همسایگی قلمرو آنها قرار داشت، به یک بازیگر اصلی تبدیل شدند. آنها اتحادی پایدار با فرانسه برقرار کردند، روابط دیپلماتیک قوی با انگلیس سامان دادند و ارتباطات خود را با امپراتوری مقدس روم نیز تقویت کردند. در دوران آنها فلورانس به مرکز فعالیت‌های اقتصادی، اکتشافات علمی و دستاوردهای فرهنگی از جمله با تامین مالی گالیله و میکل آنژ تبدیل شد.

امارات برای نیل به این اهداف مزایای قابل‌توجهی دارد؛ جمعیت تحصیلکرده، موقعیت مکانی واقع در بین بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، ذخایر قابل‌توجه نفت و گاز و ثروتی شگفت‌آور. به‌علاوه، این کشور دارای مدل حکومت‌داری سکولار است و برخلاف همسایگانش با ادیان مختلف نسبتا مدارا می‌کند. امارات همچنین بخشی از چشم‌انداز جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، برای ایجاد کریدور اقتصادی خاورمیانه است که هند و اروپا را به هم متصل می‌کند. این کشور به لطف سرمایه‌گذاری‌های خود در بازار قدرت‌های نوظهور، با این دسته از کشورها مانند برزیل، هند و اندونزی هم پیوندهای محکمی دارد. ابوظبی حتی روابط خود را با اسرائیل که دشمن تاریخی آن محسوب می‌شد، عادی‌سازی کرده است. علی‌رغم حمله حماس و اعتراضات مردمی اما محدود علیه جنگ غزه، اسرائیل و امارات روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود را همچنان حفظ کرده‌اند.

با این حال تلاش امارات متحده عربی برای کسب نفوذ و قدرت با محدودیت‌هایی هم روبه‌روست. این کشور وابستگی زیادی به نفت دارد و برای کربن‌زدایی سریع با فشار مواجه است. ابوظبی باید از رادیکالیسم اسلامی و بی‌ثباتی منطقه‌ای جلوگیری کند. به‌علاوه، امارات با ایران که نیروهای نیابتی آن به این کشور حمله کرده‌اند، یک مناقشه ارضی طولانی‌مدت دارد. ابوظبی همچنین با رقابت شدیدی با همسایه خود قطر که ویژگی‌های مشترک زیادی هم دارند و چالش مهم‌تری هم از سوی عربستان سعودی مواجه است. ریاض هم به رهبری ولیعهد خود محمد بن سلمان در تلاش است تا به نقطه ثقل سیاسی، اقتصادی و انرژی خاورمیانه تبدیل شود و سرمایه‌گذاری‌هایی را برای تنوع بخشیدن به اقتصاد و ایجاد جذابیت بیشتر در بازار خود برای کشورها و شرکت‌های خارجی انجام داده است. روشن است که بسیاری از این سیاست‌های اقتصادی می‌توانند بر جایگاه و جاه‌طلبی امارات تاثیر منفی بگذارند.

البته مدیچی‌ها علی‌رغم رقابت با دولت‌های بزرگ‌تر قدرتمند شدند و قدرتمند هم باقی ماندند. ثروت، تخصص اقتصادی و نفوذ سیاسی به ایشان اجازه داد تا در عرصه سیاست بین‌المللی نقش‌آفرینی و با شخصیت‌ها و حاکمان با نفوذ سراسر اروپا ارتباط برقرار کنند. اما نفوذ سیاسی آنها بر اثر درگیری اعضای این خاندان با یکدیگر کاهش یافت زیرا نیروهای خارجی فرصت یافتند این دولت را کنار بزنند. سرانجام در سال ۱۷۳۷ آخرین فرمانروای مدیچی بدون وارث مذکر درگذشت و عمر این سلسله نیز با مرگ او پایان یافت.

شاید امارات هم با مشکلات مشابهی روبه‌رو شود. از آنجایی که این کشور نیز توسط یک خاندان اداره می‌شود رهبران آینده ممکن است با رقابت از سوی برادران، عموها و پسرعموهای خود مواجه شوند. اگر رئیس جمهوری بدون نام بردن مشخص از جانشین خود بمیرد درگیری‌های داخلی حاصله ممکن است این کشور را پاره‌پاره کند. آنگاه، دولت‌های سودجوی منطقه می‌توانند از این ناکارآمدی استفاده کنند و امارات را از جایگاه رهبر خاورمیانه کنار بزنند.

امارات می‌تواند منشأ نابودی خود باشد. سیاست خارجی مستقل این کشور که برای حفاظت از آن در برابر آشوب جهانی طراحی شده است، اغلب آن را در تضاد با همسایگان خود و ایالات متحده قرار می‌دهد زیرا دولت امارات از نیروهای نیابتی ستیزه‌جو در درگیری‌های خارجی حمایت کرده و بی‌ثباتی را گسترش داده است. به‌علاوه، تلاش‌های این کشور برای تنوع بخشیدن به اقتصاد نفتی خود ممکن است با شکست مواجه شود و باعث ایجاد نوعی رکود شود که رهبران کشور را در معرض انتقاد از درون قرار دهد.

البته در حال حاضر به نظر نمی‌رسد امارات متحده عربی در معرض خطر جدی تجربه همان تلاطم عظیمی باشد که منجر به نابودی مدیچی‌ها شد. محمد بن زائد اطمینان حاصل کرده که خاندان او در کنار هم هستند. او در کنار پنج برادر خود براساس نظامی که مبتنی بر اجماع است، حکومت می‌کنند. این شش برادر قبلا توافق کرده‌اند که پس از محمد بن زائد، خالد بن محمد، جانشین او شود و این امر احتمالا انتقال آرام قدرت را تضمین خواهد کرد. تا زمانی که این خاندان یکپارچه بماند و به نحو احسن اداره شود امارات این توانایی را خواهد داشت تا بیشتر از اندازه و وزن خود، کنشگری کند.

در کوتاه‌مدت، امارات قدرتمند می‌تواند به غرب کمک کند. این کشور و ایالات متحده اکنون شرکای دیرینه‌ای هستند و اگر واشنگتن به تقویت امنیت امارات ادامه دهد این کشور هم به تحکیم منافع ایالات متحده در خاورمیانه کمک خواهد کرد اما در درازمدت یک امارات متحده عربی قوی ممکن است فقط به نفع خود این کشور باشد. امارات یک بازیگر معامله‌گر است و بنابراین به محض اینکه توازن قدرت جهانی به نفع آسیا شود وفاداری خود را تغییر خواهد داد. امارات طرفدار دموکراسی نیست و طبیعتا به صورت طبیعی با غرب همسو به شمار نمی‌رود. این کشور روابط خود را با چین برقرار کرده و در بیست‌وهشتمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد با خوشحالی میزبان ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه بود. ابوظبی قصد آن را دارد که از قدرت‌های خارجی به نحو دلخواه خود استفاده کند؛ بنابراین هیچ قدرت خارجی و در رأس آنها ایالات متحده نمی‌تواند روی این کشور به‌عنوان یک بازیگر نیابتی در خاورمیانه حساب کند.

از بین بسیاری

امارات متحده عربی به‌طور رسمی در سال ۱۹۷۱ و پس از اعلام بریتانیا مبنی بر خروج از شرق شهر سوئز مصر در سال ۱۹۶۸ ایجاد شده است. پدر محمد بن زائد، شیخ زائد بن سلطان آل نهیان حاکم ابوظبی، این امیرنشین را با دبی و پنج امیرنشین دیگر ادغام کرد و در نتیجه به اولین رئیس جمهور امارات تبدیل شد. این کشور که از نظر جغرافیایی بین ایران و عربستان سعودی قرار دارد بلافاصله پس از تاسیس در معرض رقابت بین همسایگان بسیار بزرگ‌تر خود قرار گرفت. اما زائد که تا زمان مرگش در سال ۲۰۰۴ بر امارات حکومت می‌کرد برای ایجاد موازنه بین این دو کشور بزرگ، همکاری با همسایگان و بی‌طرف ماندن در درگیری‌هایی مانند جنگ ایران و عراق تلاش کرد. حملات ۱۱ سپتامبر دولت امارات را شوکه کرد و آن را مجبور به اتخاذ موضعی تهاجمی‌تر کرد. این مساله که دو نفر از هواپیماربایان شهروند امارات بودند یک غافلگیری به شمار می‌رفت و نشان داد که انفعال این کشور به بازیگران دیگر - از جمله افراطیون اسلام‌گرا - اجازه داده تا درون مرزهای این کشور فعالیت کنند. در نتیجه دولت شروع به پاک‌سازی جامعه اماراتی از نفوذ اسلام‌گرایان رادیکال کرده و در همین راستا دستوراتی صادر کرد که رهبران مذهبی را از دست زدن به بحث‌های سیاسی منع می‌کرد. به‌علاوه، از انتشار مطالب اسلام‌گرایان محافظه‌کار یا تندرو شناخته‌شده نیز خودداری به عمل آمد. اصلاحات آموزشی برای بازنگری برنامه‌های درسی و زدودن تاثیرات اسلام‌گرایان از آنها که از پیش در حال انجام بودند، شتاب گرفتند. با تحت فشار واشنگتن دولت امارات دست به تاسیس شوراهای منتخب شهرداری هم زد.

روابط قوی‌تر با ایالات متحده برای امارات که تعامل با واشنگتن را پادزهری برای مدیریت چالش‌های امنیتی منطقه‌ای می‌دانست از اهمیت زیادی برخوردار بود. در زمان محمد بن زائد که در آن زمان مسئولیت وزارت دفاع را برعهده داشت، ابوظبی شروع به سرمایه‌گذاری بیشتر در روابط خود با واشنگتن کرد؛ سرمایه‌گذاری که یکی از نمونه‌های آن جنگ در کنار نیروهای ایالات متحده و ناتو در افغانستان بود. پیوستن به ائتلاف واشنگتن این مزیت را هم داشت که به سربازان اماراتی تجربه عملیاتی داد و این کشور تبدیل به یک قدرت نظامی کارآمد شد.

یک دهه بعد و با شروع اعتراضات مردمی در سراسر جهان عرب، محمد بن زائد و برادرانش بر این باور بودند که اخوان‌المسلمین پشت این ناآرامی‌هاست و بیم آن را داشتند که اسلام‌گرایان مدل سکولار حکومت‌داری آنها را به چالش بکشند و نارضایتی را در این کشور دامن بزنند. هنگامی که اعتراضات بحرین در فوریه ۲۰۱۱ شکل گرفت، ابوظبی به سرعت ۵۰۰ سرباز خود را به منامه اعزام کرد. این سربازان در کنار نیروهای سعودی به حاکمان بحرین کمک کردند تا تظاهرات مردمی را سرکوب کنند و در نتیجه سلطنت بحرین پابرجا ماند. امارات در داخل کشور هم اعضا و فعالان مرتبط با «اصلاح»، یک گروه اسلام‌گرای مستقر در امارات، را به جرم سازمان‌دهی کودتا دستگیر کرد. دولت همچنین اخوان‌المسلمین را در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی و تمام بقایای داخلی این سازمان را به وادار به زندگی زیرزمینی کرد. پس از اینکه محمد مرسی، سیاستمدار عضو اخوان‌المسلمین کرسی ریاست جمهوری مصر را در انتخاباتی آزاد دست آورد امارات متحده عربی به حمایت از کودتای نظامی که او را از قدرت کنار زد کمک کرد.

مصر به شیوه دیگری هم به شکل‌گیری تفکر رهبران امارات کمک کرد. زمانی که دولت باراک اوباما از حسنی مبارک، رئیس جمهور وقت مصر، سلف مرسی و متحد دیرینه ایالات متحده در آستانه سرنگونی دفاعی نکرد، ابوظبی به این نتیجه رسید که واشنگتن به امنیت خاورمیانه متعهد نیست. زمانی هم که اوباما نتوانست بر خط قرمز مشهور خود مبنی بر ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی در سوریه پایبند بماند امارات بیشتر ناامید شد. بنابراین ابوظبی شروع به تنوع بخشیدن به مشارکت‌های سیاسی خود به‌طور مثال ایجاد پیوندهای اقتصادی با چین کرد. امارات همچنین از ارتش خود برای قدرت‌افکنی سخت در سراسر منطقه و تضعیف اسلام‌گرایان استفاده کرد.

امارات برای چنین قدرت‌افکنی از ایران درس فراگرفت. این کشور در سال ۲۰۱۲ شروع به پرورش گروه‌های مسلحی کرد که علیه اسلام‌گرایان در مصر، لیبی، سودان، سوریه، تونس و یمن می‌جنگیدند. ابوظبی همچنین شروع به تامین این گروه‌ها از لحاظ نظامی، مالی، لجستیک و دیپلماتیک کرد. این مداخلات باعث طولانی شدن درگیری در کشورهای مذکور شده است زیرا گروه‌های اسلام‌گرای پیشرو مانند شاخه اخوان‌المسلمین مصر برای برقراری مجدد تسلط یا به چالش کشیدن دولت‌های منطقه با دشواری روبه‌رو شده‌اند.

مداخله این کشور در یمن در سال ۲۰۱۵، تصویری واضح از سرانجام احتمالی این مداخلات فراهم کرده است. در آن سال ابوظبی برای مبارزه با حوثی‌های مورد حمایت ایران به ائتلاف عربی پیوست و در عین حال از ایالات متحده در مبارزه خود با القاعده و داعش - که هر دو در یمن حضور دارند - حمایت کرد. در یمن امارات همچنین از جنگ داخلی برای مقابله با شاخه محلی اخوان‌المسلمین و حمایت از شورای انتقالی جنوب یمن که به دنبال کسب خودمختاری است، استفاده کرد. تنش‌ها بین شورای انتقالی جنوب یمن و دولت مورد حمایت عربستان منجر به ایجاد جنگ قدرتی شد که منابع طرفین را از نبرد اصلی علیه حوثی‌ها که همچنان به تسلط خود در شمال ادامه می‌دهند، دور کرد. خروج امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۰ از یمن، راه را برای ایجاد یک دولت ائتلافی به رسمیت شناخته‌شده در داخل که شامل شورای انتقالی جنوب یمن هم می‌شد، هموار کرد و نفوذ این گروه را در جزیره سقطری در سواحل جنوبی تثبیت کرد اما مشارکت پنج‌ساله امارات همچنین به تشدید جنگی کمک کرد که پیامدهای انسانی ویرانگری داشته و همچنان هم دارد [سازمان ملل متحد بحران یمن را بدترین بحران انسانی در جهان نامیده است؛ در نتیجه جنگ یمن ۹ هزار نفر جان خود را از دست دادند، چهار و نیم میلیون آواره شدند و بیش از ۲۱ میلیون یا دوسوم جمعیت این کشور همچنان به کمک و حفاظت بشردوستانه نیاز دارند.]

با این حال، محمد بن زائد که پس از سکته مغزی برادر بزرگ‌ترش در سال ۲۰۱۴ به رهبر رسمی امارات تبدیل شد - به نظر می‌رسد بیم لطمه دیدن شهرت کشور خود به دلیل مسائل مربوط به یمن را ندارد. او می‌داند که سیاستگذاران غربی و افکار عمومی آنها معمولا اسلام سیاسی را با جهادگرایی خلط می‌کنند. ابوظبی با طولانی کردن درگیری‌ها و در کانون توجه قرار دادن سازمان‌های اسلام‌گرا توانسته است روایتی به نفع خود را به رهبران غربی قالب کند: «امارات در برابر افراط‌گرایی مذهبی قرار دارد.» ابوظبی با طرح خود به‌عنوان دشمن افراط‌گرایی توانسته است حمایت مستمر غرب را برای گسترش قدرت خود به دست آورد.

دوستان و دشمنان

جاه‌طلبی‌های امارات متحده عربی مخالفت‌هایی را به‌ویژه در خاورمیانه برانگیخته است. رقابت این کشور با قطر، یکی دیگر از پادشاهی‌های کوچکی که سرشار از منابع هیدروکربنی است، به‌شدت داغ است. ظهور حیرت‌انگیز قطر در دهه ۱۹۹۰ براثر توسعه سریع منابع گاز طبیعی این کشور نشان داد که حاکمان متساهل نسبت به اسلام سیاسی نیز می‌توانند کیفیت بالایی از زندگی را به شهروندان خود ارائه دهند. کما اینکه قطر به رهبران اسلام‌گرای تندرو پناه داده و از گروه‌هایی مانند اخوان‌المسلمین، رهبری سیاسی حماس و مقامات ارشد طالبان حمایت کرده است.

تنش‌ها بین قطر و امارات در دهه اول قرن حاضر بالا بود اما در طول بهار عربی به اوج خود رسید. امارات سفیر خود را در سال ۲۰۱۴ به دلیل حمایت قطر از نیروهای اسلام‌گرا از دوحه فراخواند. ابوظبی در سال ۲۰۱۷ هم با همراهی بحرین، مصر و عربستان سعودی به محاصره قطر پرداخت و از دوحه خواست تا به ۱۳ شرط سختگیرانه عمل کند. از جمله این شروط تعطیلی الجزیره (سازمان خبری بزرگ بین‌المللی که توسط قطر تامین مالی می‌شود)، کاهش سطح روابط با تهران و بستن پایگاه نظامی ترکیه که قطر از سال ۲۰۱۶ میزبان آن بوده است، بود.

امارات متحده عربی بر این باور بود که قطر در مواجهه با چنین تحریم منطقه‌ای گسترده جا خواهد زد. اما امارات قدرت خود را بیش از حد برآورد کرده بود و این محاصره نتیجه عکس داد. ترکیه کمک‌های غذایی به قطر ارائه و کمک‌های نظامی بیشتری هم به این کشور ارسال کرد. ایران نیز مواد غذایی به قطر ارسال کرد و به خطوط هوایی این کشور اجازه داد تا از حریم هوایی ایران استفاده کنند. قطر نیز به گسترش مشارکت‌های اقتصادی جدید ادامه داد و به ایالات متحده نزدیک‌تر شد. امروزه قطر یک میانجی مهم بین تهران، واشنگتن، اسرائیل و حماس است (مثلا از زمان شروع جنگ در غزه، قطر به مذاکره برای آزادی اسرای اسرائیلی و فلسطینی کمک کرده است.) در این میان این بقیه کشورهای خلیج‌فارس بودند که متضرر شدند. پس از سه سال‌ونیم مجازات عربستان سعودی بحرین، مصر و امارات را مجبور کرد تا به محاصره پایان دهند؛ آن هم درحالی‌که به نظر می‌رسید قطر تسلیم خواسته‌های آنها نشده است. این تغییر موضع همچنین نشان داد حتی عربستان سعودی که شریک سنتی امارات محسوب می‌شود -و از سوی اقوام دور محمد بن زائد اداره می‌شود- همیشه هم دوست خوبی نیست. در واقع، برخی از اولویت‌های ملی ریاض در تنش مستقیم با امارات قرار دارد. این دو کشور درگیر رقابت اقتصادی و علمی فزاینده‌ای هستند -از جمله اینکه کدام کشور بر صنعت گردشگری، تجارت و اکتشافات فضایی تسلط خواهد یافت. آنها همچنین برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و فاصله گرفتن از تولید سوخت‌های فسیلی با یکدیگر رقابت می‌کنند. عربستان سعودی به شدت در حال تلاش برای رسیدن به امارات متحده عربی است؛ زیرا حداقل ۳۰ سال دیرتر از امارات این رقابت را آغاز کرده است. مثلا ریاض در سال ۲۰۲۱ اعلام کرد که شرکت‌های بین‌المللی که با دولت عربستان سعودی قرارداد دارند، باید تا سال ۲۰۲۴ دفتر مرکزی منطقه‌ای خود را در ریاض ایجاد کنند؛ تلاشی آشکار برای وادار کردن شرکت‌های چندملیتی به انتقال دفتر مرکزی خود در خاورمیانه به خارج از امارات.

البته امارات هم برای مقابله با عربستان راه‌هایی یافته است. این کشور هفته کاری خود را با هفته کاری غربی هماهنگ کرده است (در عربستان سعودی و بیشتر نقاط خاورمیانه، هفته کاری از یکشنبه آغاز می‌شود). ابوظبی همچنین به ترویج تساهل نسبی خود نسبت به ادیان مختلف ادامه می‌دهد؛ امری که نمونه آن افتتاح یک کنیسه در امارات است. این کشور حتی اعطای شهروندی یا اقامت دائم به برخی از مهاجران را آغاز کرده است؛ امتیازی که خارجی‌ها نمی‌توانند در سایر کشورهای خلیج فارس از آن بهره‌مند شوند. امارات در تلاش برای دور شدن از وابستگی به نفت هم از عربستان سعودی بسیار جلوتر است؛ حتی در شرایطی که عربستان توجه بین‌المللی و سرمایه‌گذاری زیادی را برای طرح‌های متنوع‌سازی اقتصاد خود به دست آورده است.

امارات همچنین برای تقویت همکاری خود با ایالات متحده تلاش کرده است. اگرچه ابوظبی تعهدات ایالات متحده در قبال امنیت خود را مورد تردید قرار داد -به ویژه پس از امضای توافقنامه هسته‌ای سال ۲۰۱۵ توسط دولت اوباما با ایران که بن‌زائد معتقد بود به رفتار توسعه‌طلبانه منطقه‌ای تهران مشروعیت می‌بخشد- اما واشنگتن هنوز هم تامین‌کننده امنیت امارات متحده عربی است. رهبران اماراتی برای ایجاد روابط قوی‌تر با هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه تلاش کرده‌اند. آنها مثلا میلیون‌ها دلار برای لابی و ایجاد روابط نزدیک‌تر با گروه‌های ذی‌نفع و مقامات دولتی سابق در سراسر طیف سیاسی ایالات متحده هزینه کرده‌اند. هدف نهایی امارات متحده عربی نیل به یک توافقنامه امنیتی دوجانبه درازمدت بین واشنگتن و ابوظبی است که تضمین‌های امنیتی پایداری را برای امارات ایجاد کند و این کشور را از برخورداری از حفاظت امنیتی مستقیم از سوی ایالات متحده بهره‌مند سازد. در حال حاضر، امارات در حال مذاکره برای عقد توافقی است که اگرچه محتوای آن کمتر از تصورات بن‌زائد درباره یک توافقنامه امنیتی به سبک ناتو است، اما در آن قید شده که اگر ابوظبی همکاری‌های فنی و امنیتی خود را با چین محدود کند، همکاری‌های دفاعی بین آن و واشنگتن افزایش خواهند یافت. با این حال، امارات متحده عربی و ایالات متحده فاصله زیادی از هم دارند و بن‌زائد می‌تواند قبل از امضای هر چیزی منتظر نتایج انتخابات ایالات متحده باشد؛ انتخاباتی که می‌تواند منجر به پیروزی ترامپی شود که شاید در مقابل امارات نرم‌تر باشد.

با این حال، حتی یک ضمانت امنیتی قوی از سوی واشنگتن هم نمی‌تواند مانع اتخاذ راهبرد مصون‌سازی [مصون‌سازی یا hedging اشاره به تعامل یک بازیگر با بازیگران دیگری دارد که به لحاظ منافع با یکدیگر سر آشتی ندارند؛ مثلا می‌توان به تعامل بالای کشورهای آسیای جنوب شرقی با چین و آمریکا در عین واحد اشاره کرد.] از سوی امارات شود. بن‌زائد و برادرانش در حال ایجاد ارتباطاتی عمیق‌تر با دشمنان واشنگتن -و حتی برخی از مخالفان سنتی امارات- هستند. این کشور به شرکت چینی هوآوی اجازه داده است تا شبکه تلفن همراه «فایو جی» خود را در امارات ایجاد سازد. ابوظبی همچنین موضع بی‌طرفی را بین روسیه و اوکراین اتخاذ کرده و خط ارتباطی باز با کرملین را حفظ کرده و از رای مثبت در جریان رای‌گیری سازمان ملل برای محکومیت جنگ روسیه و اوکراین خودداری کرده است. امارات به روس‌ها اجازه داده است که تعطیلات خود را در شهرهای اماراتی بگذرانند و دارایی‌های خود را نیز در بانک‌های اماراتی پس‌انداز کنند. تجارت دوجانبه بین روسیه و امارات در سال ۲۰۲۲ هم تقریبا ۶۸ درصد افزایش یافته است. پس از حمله نیروهای نیابتی ایران به کشتی‌های سعودی در خلیج‌فارس و تاسیسات نفتی عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹، امارات یکی از رهبران خود را برای کاهش تنش‌ها به تهران اعزام کرد. این گفت‌وگوها باعث شد امارات روابط تجاری خود را با ایران احیا سازد و امروزه امارات متحده عربی بزرگ‌ترین شریک تجاری منطقه‌ای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

البته این اقدام هم مانع از حمله نیروهای نیابتی ایران در یمن به فرودگاه ابوظبی در ژانویه ۲۰۲۲ نشد. این حملات به روشنی نشان داد که حتی تنش‌زدایی با ایران نیز سبب تضمین امنیت امارات نخواهد شد. شراکت همزمان امارات با اسرائیل تا حدی نتیجه همین ادراک است. ابوظبی در سال ۲۰۲۰، توافقنامه ابراهیم را امضا کرد و دست به عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل زد. امارات همچنین برخلاف اردن -یکی از معدود کشورهای عربی که روابط کامل با اسرائیل دارد- سفیر خود را پس از آغاز جنگ غزه از اسرائیل فرانخواند.

توافقنامه ابراهیم نقطه عطفی بود که تمرکز امارات بر سیاست واقعی و نه آرمان‌های عربی یا منطقه‌ای از جمله آینده فلسطینیان را نشان داد. این توافقنامه منعکس‌کننده منافع مشترک امارات متحده عربی و اسرائیل است؛ از جمله نگرانی مشترک آنها مبنی بر اینکه در صورتی که از سمت ایران مورد حمله واقع شوند، ایالات متحده به یاری آنها نخواهد شتافت. توافقنامه ابراهیم همچنین نگرانی‌های مشترک تل‌آویو و ابوظبی را درباره خطر نیروهای نیابتی ایران، مخاطرات ناشی از رادیکالیسم اسلامی

ادامه در صفحه ۱۵

حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

آمریکا نمی‌تواند برای قطعنامه ضد ایرانی با چین و روسیه به توافق برسد

اقدام واکنشی ایران به مورد هدف قرار گرفتن کنسولگری‌اش در دمشق توسط رژیم صهیونیستی به قدری در منطقه و جهان بازتاب پیدا کرده است که نمی‌توان توقع داشت طرف آمریکایی در پاسخ به این اقدام هیچ واکنشی نشان دهد، اما در مورد اینکه جنس این واکنش نظامی یا غیرنظامی باشد امری مبهم است که باید برای مهار آن هشیارانه عمل کرد. برای بررسی واکنش‌های احتمالی رژیم صهیونیستی و آمریکا به اقدام تقابلی ایران با حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. بهشتی‌پور معتقد است با توجه به اقدام اسرائیل در حمله به کنسولگری، آمریکا قدرت محکوم کردن ایران در شورای امنیت را نداشته و احتمالا با وتو چین و روسیه مواجه شود، لذا مسیر دومی را در پیش گرفته و در هماهنگی با اعضای G20 به‌دنبال افزودن بر حجم تحریم‌های ایران خواهد بود؛ امری که خیلی نمی‌توان آن را موثر دانست. مشروح گفت‌وگو با این کارشناس مسائل بین‌الملل را در ادامه می‌خوانید.

آمریکا تقابل با ایران را از مسیر گروه ۷ پیگیری می‌کند

بهشتی‌پور فضای آتی و واکنش‌های آمریکا به اقدام ایران را این‌گونه تحلیل می‌کند: «به نظر آمریکا نمی‌خواهد منطقه را درگیر جنگ گسترده کند. درگیری ایران و اسرائیل صرفا دوطرفه نبوده و یک جنگ منطقه‌ای را در پی خواهد داشت. این امر حداقل در وضعیت فعلی مطلوب آمریکا نیست؛ چراکه ۸ ماه دیگر انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا برگزار می‌شود. به نظر می‌رسد آمریکا دنبال این است که اسرائیل و شخص نتانیاهو را قانع کند که پاسخی به ایران ندهد، اما اینکه چقدر گوش کنند موضوع دیگری است؛ چراکه نتانیاهو حیات سیاسی‌اش در بحران تداوم پیدا می‌کند.»

این تحلیلگر حوزه بین‌الملل همچنین معتقد است در بعد بین‌المللی آمریکایی‌ها ناتوان از محکوم کردن ایران در شورای امنیت بودند و لذا اعضای گروه ۷ را جمع کرده‌اند تا در جلسه‌ای در مورد واکنش به اقدام ایران صحبت کنند. او چرایی این مساله را این‌گونه توضیح می‌دهد: «در سازمان ملل چین و روسیه حداقل در تعدیل قطعنامه‌های پیشنهادی از طرف آمریکا یا سایر کشورهای طرفدار اسرائیل نقش‌آفرینی خواهند کرد و حتی ممکن است آن را وتو کنند اگر در چهارچوب سیاست‌هایشان نباشد. آمریکایی‌ها عادت دارند زمانی که کارشان در شورای امنیت پیش نرفت به سمت متحدان خود در گروه ۷ بروند. پیش‌بینی آمریکایی‌ها این است که نمی‌توانند با طرف چینی بر سر نگارش قطعنامه ضد ایرانی به توافق برسند؛ چراکه اسرائیل شروع‌کننده این تقابل بوده است. بنابراین به گروه ۷ رجوع می‌کنند تا اقدامی انجام داده باشند. اقدامی که به‌دلیل قرار نداشتن در ذیل سازمان ملل مشروعیت بین‌المللی نداشته و برای سایر کشورها لازم‌الاجرا نیست. لذا احتمالا گزینه‌ای جز تحریم بیشتر ندارند که فکر نمی‌کنم بیشتر از حد فعلی چیزی برای تحریم وجود داشته باشد. ممکن است در سازمان ملل قطعنامه متعادلی صادر کنند که در آن صورت احتمال عدم وتو از جانب چین و روسیه هم وجود دارد، اما اگر قطعنامه‌ای یکطرفه و کاملا علیه ایران باشد به احتمال زیاد وتو خواهد شد. لذا باید اقدامات سیاسی و دیپلماتیک احتمالی را در چهارچوب گروه ۷ پیگیر باشیم و بدانیم که آنها در این زمینه چه کار می‌کنند.»

فصل هفتم منشور ملل حق کشورها برای دفاع از حاکمیت‌شان را مشروع می‌داند

بهشتی‌پور در تشریح این موضع که اقدام واکنشی ایران در چهارچوب حقوق بین‌الملل چگونه قابل توجیه است، می‌گوید: «حقوق بین‌الملل در محاصره قدرت است و نظام بین‌المللی تحت امر آمریکا حقوق بین‌الملل را به نفع خودش مصادره می‌کند. هرجاکه بتوانند تعریفی از حقوق بین‌الملل می‌دهند که منافع خودشان را تامین کند اما این نباید به معنای بی‌اعتبارسازی سازمان ملل و کنار گذاشتن کامل حقوق بین‌المللی شود. ایالات متحده آمریکا حملاتش به عراق را دفاع از خود تعبیر می‌کرد. می‌گفت هرجا منافع آمریکا امنیت آنجاست پس هر جاکه امنیت باشد اقدامات دفاع از خود تلقی می‌شود، پس ما داریم از خود دفاع می‌کنیم؛ اگرچه سفارتخانه به معنی خاک یک کشور نیست، اما محترم شمردن مصونیت دیپلمات‌ها و کنسولگری جزء حقوق بین‌الملل است که کشورهای میزبان و سایر دولت‌ها باید به آن احترام بگذارند. دیپلمات‌ها از هرگونه برخورد حقوقی مصون هستند اما صهیونیست‌ها پا را فراتر گذاشته و حتی حمله نظامی کرده‌اند. ماده ۵۱ ذیل فصل هفتم است و حق دفاع را برای هر کشوری مشروع می‌داند. فصل هفتم منشور ملل از ماده ۳۹ تا ۵۱ شروع می‌شود. در این ماده صراحتا آماده است که کشورها حق دارند از حاکمیت ملی خودشان دفاع کنند اما چون این تفسیر وسیع است و تعابیری همچون حاکمیت ملی و مرزهای ملی مرزهای باریکی دارد اثبات نقض حاکمیت ملی کمی پیچیده است، به همین دلیل نیز شورای امنیت و کشورهای دارای قدرت آن را تفسیر می‌کنند. یک جا دولتی با حمله به کنسولگری تمام قواعد بین‌المللی را زیر سوال برده و محکوم نمی‌شود اما طرف مقابل که از خود دفاع می‌کند محکوم می‌شود. این تناقض ناشی از رفتار قدرت‌هایی است که قواعد بین‌المللی را به نفع خودشان تفسیر می‌کنند. ما می‌توانیم از این ماده استفاده کنیم اما این ماده صرفا از طرف کشورهایی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که قائل به مورد تعدی قرار گرفتن ایران توسط رژیم صهیونیستی باشند.

حمله نظامی اسرائیل به کنسولگری هیچ توجیهی ندارد اما خود آمریکا در جنگ بلگراد به سفارت چین حمله کرد و آن را با موشک مورد هدف قرار داد بعد هم بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا عذرخواهی کرد و خسارات چین را هم داد. هرچند بعید می‌دانم این کار را به خطا انجام داده باشند اما به هرحال عذرخواهی کردند. آنها هواپیمای مسافربری ایران و کره جنوبی را زده‌اند اما با تعبیر خطا اقدام خودشان را توجیه کردند. اسرائیل همین کار را هم نکرد.»

نباید در برابر اظهارات مقامات اسرائیل فریب بخوریم

پس از اقدام واکنشی ایران، مقامات صهیونیست اظهاراتی را مطرح کردند که به نظر می‌رسید قصد ندارند وارد تقابل نظامی با ایران شوند. بهشتی‌پور معتقد است در قبال این اظهارات باید هوشمندانه عمل کرد. او در این‌باره توضیح می‌دهد: «باید ابتدا پاسخ را دقیقا تعریف کنیم. پاسخ می‌تواند نظامی یا غیرنظامی باشد. صهیونیست‌ها انسان‌هایی هستند که تمام ارزش‌های بین‌المللی را زیر سوال برده و هزاران انسان بی‌گناه را در غزه کشته‌اند. با توجه به اینکه در مواردی نیز در ایران نفوذ دارند مسئولان ما باید آمادگی کامل داشته باشند و در تحلیل‌های خود درصدی را لحاظ کنند و متوجه باشند که چه‌بسا رژیم صهیونیستی به دنبال غافلگیری ایران باشد. من امیدوارم جنگ در همین نقطه تمام شود. من این را از روی ترس نمی‌گویم اما جنگ بدون تبعات هم نیست، لذا ما باید هشیارانه و محکم دفاع کنیم. حتی اگر اسرائیل گفت اقدام متقابل انجام نمی‌دهد ما باید آن را قطعی تلقی نکنیم، چه‌بسا که این اظهارات فریب باشد. ما باید بتوانیم در هر شرایطی از خودمان دفاع کنیم. در این شرایط مسئولان ایرانی نباید اسیر فضاسازی و تبلیغات شوند. چه اسرائیل پاسخ بدهد و چه ندهد باید همه امکانات کشور را دخیل کنیم تا آمادگی مقابله با هرگونه حمله‌ای را داشته باشیم؛ چراکه اسرائیلی‌ها ممکن است اقدام نظامی نکنند اما جنایت‌هایی در داخل خاک ایران را در دستورکار داشته باشند.»

ادامه از صفحه ۱۴

و خطرات گروه‌های مسلح اسلامی، مانند حماس، روشن می‌کند.

پس جای تعجب نیست که امارات امیدوار است حماس -که دارای پیوندهایی با اخوان‌المسلمین است- از غزه خارج شود. جنگ اخیر برای امارات متحده عربی روشن ساخته است که راهبرد این کشور با توجه به جغرافیای آن آسیب‌پذیر است. اماراتی‌ها در عین حال می‌دانند که اسلام‌گرایان یک تهدید منطقه‌ای هستند. به همین دلیل است که از زمان آغاز جنگ، امارات بر روابط خود با اسرائیل تاکید کرده است. این ارتباطات همچنان بخشی از برنامه راهبردی گسترده‌تر این کشور به شمار می‌روند.

با این حال، امارات متحده عربی از پاسخ نظامی اسرائیل غافلگیر شده است و بنابراین از جایگاه خود در شورای امنیت سازمان ملل برای لابی و تسهیل آتش‌بس و ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه استفاده کرده است. بدون چشم‌انداز روشنی از آتش‌بس، امارات -مانند بسیاری دیگر از کشورهای منطقه- از شرکت یا حمایت از گفت‌وگوها برای آنچه باید پس از این جنگ رخ دهد، امتناع ورزیده است و این فرصت را برای دولت بایدن به وجود آورده است که رهبری این فرآیند را بر عهده بگیرد. اما در پشت پرده این کشور هم برنامه‌هایی دارد و خواستار آن است که محمد دحلان، از رهبران سابق تشکیلات خودگردان فلسطین، غزه پس از جنگ را اداره کند. ابوظبی به احتمال زیاد از نفوذ خود بر اسرائیل برای تسهیل به دست گرفتن مسئولیت غزه توسط دحلان در دوران پس از جنگ استفاده خواهد کرد؛ آن هم درحالی‌که دحلان یک شخصیت بسیار بحث‌برانگیز به شمار می‌رود. امارات همچنین می‌خواهد نقش ایران به عنوان حامی حماس را تضعیف کرده و شبکه نیابتی ایران از جمله حوثی‌ها را که کشتیرانی در دریای سرخ را مختل کرده‌اند، متزلزل کنند.

به فرآیند اعتماد کنید

توافقات ابراهیم منجر به افزایش همکاری دفاعی بین امارات و اسرائیل شده‌اند اما هدف آنها چیزی بیش از تقویت امنیتی بوده است. این توافقات همچنین قرار است به اقتصاد امارات متحده عربی کمک کنند. توافق ابراهیم فرصت‌های اقتصادی، فناوری و تجاری را در صنایع مختلف از جمله انرژی، گردشگری، مراقبت‌های بهداشتی و بنادر برای دو طرف ایجاد کرده است. در همین راستا، امارات محدودیت‌های ویزا را برای اسرائیلی‌ها لغو و یک توافقنامه تجارت آزاد با دولت اسرائیل نیز عقد کرد. توافقنامه‌های ابراهیم همچنین به امارات متحده عربی کمک کرده‌اند تا روابط اقتصادی خود را با ایالات متحده تعمیق کند و خود را به زنجیره‌های تامین فراتر از خاورمیانه متصل سازند. در مجموع، این توافق قرار است طی پنج سال میزان تجارت دوجانبه را به ۴ میلیارد دلار برساند.

با این حال، منافع ملموس این معامله تاکنون نامشخص باقی مانده است. هنوز هیچ تخمینی از میزان رشد اقتصادی ناشی از عقد توافق ابراهیم وجود ندارد و اماراتی‌ها تمایلی به ایجاد مبادلات مردم-به-مردم با اسرائیلی‌ها ندارند. جنگ غزه همگرایی بین این دو «کشور» را حتی دشوارتر هم خواهد کرد. به‌علاوه، روابط امارات متحده عربی با اسرائیل موهبتی برای سیاست دموکراتیک نیز نبوده است؛ کما اینکه ابوظبی به طرز شرورانه‌ای از نرم‌افزارهای جاسوسی پگاسوس ساخت اسرائیل برای هک مخالفان، روزنامه‌نگاران و به گفته گاردین، تلفن بوریس جانسون، نخست‌وزیر سابق بریتانیا، استفاده کرد.

تخمین میزان آسیب‌پذیری دولت امارات به دلیل رفتار مستبدانه خود دشوار است؛ زیرا اطلاعات بسیار کمی درباره افکار عمومی امارات وجود دارد. به‌علاوه، تعیین اینکه نظرات چه کسی برای دولت حائز اهمیت است، دشوار می‌باشد؛ زیرا بیش از ۹۰ درصد از ساکنان امارات شهروند این کشور نیستند. اما دولت در جریان برگزاری بیست و هشتمین اجلاس تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل، موسوم به کاپ ۲۸ به وضوح نشان داد که هیچ نشانه‌ای از مخالفت را تحمل نمی‌کند. علی‌رغم توجهات تمامی جهان، مقامات این کشور ۸۷ فعال اماراتی را به دلیل برپایی مجموعه‌ای از اعتراضات مسالمت‌آمیز به جرائم تروریستی متهم کردند؛ افرادی که بسیاری از آنها در حال حاضر در زندان هستند و بعضی نیز بیش از یک دهه را در حبس سپری کرده‌اند. ظاهرا سرکوبگر به نظر رسیدن برای ابوظبی اهمیتی ندارد.

اگر حجم اعتراضات بزرگ‌تر بود، شاید امارات بیشتر نگران ادراک دیگران از سرکوبگری خود می‌شد. با این حال، به‌طور کلی، شهروندان اماراتی از رفاه و آسایش کشورشان نسبت به سایر نقاط خاورمیانه راضی‌تر به نظر می‌رسند. اگرچه شهروندان فقیرتر ساکن امیرنشین‌های شمالی که عزیزان خود را در جنگ یمن از دست داده‌اند، نارضایتی خود را ابراز کرده‌اند، اما این میزان نارضایتی برای به چالش کشیدن دولت کافی نیست.

اینکه بیشتر جمعیت امارات را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند، می‌تواند چالش‌هایی را در آینده برای حاکمان کشور ایجاد کند. جمعیت امارات ۹٫۳ میلیون نفر است که فقط حدود ۶۶۰ هزار نفر از آنها اتباع امارات به شمار می‌روند و ۸٫۷ میلیون نفر باقی‌مانده کارگران مهاجری هستند که اکثر آنها کارگران قراردادی موقتی به شمار رفته که از جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی به این کشور آمده‌اند. این کارگران تحت یک برنامه ویژه «کارگران مهمان موقت» وارد امارات شده و عضوی از نظام کاری بدنام «کفاله» (حمایت مالی) می‌شوند؛ نظامی که به‌طور گسترده از سوی گروه‌های بین‌المللی طرفدار حقوق بشر به دلیل قرار دادن کارگران مهاجر در معرض سوءاستفاده مورد انتقاد قرار گرفته است. فعالان حقوقی، شرایط کاری استثمارگرانه، مسکن‌های پرجمعیت، محدودیت سازمان‌دهی و چانه‌زنی جمعی و عدم پرداخت حقوق را مستند کرده‌اند. اگرچه مقامات امارات متحده عربی قوانینی را برای رسیدگی به این مشکلات تصویب کرده‌اند، اما قوانین مذکور به ندرت اجرا می‌شوند و الگوی سوءاستفاده و استثمار همچنان ادامه دارد؛ مثلا کارگران مهاجر مکررا گزارش کرده‌اند که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، بعضی از دولت‌ها مانند فیلیپین، بعضا از استخدام کارگران زن توسط امارات جلوگیری می‌کنند. اما این ممنوعیت‌ها کوتاه مدت هستند، زیرا نیاز به مبالغی که کارگران مذکور از امارات به کشورهای خود می‌فرستند، برای دولت‌ها غالب است. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که این کارگران حداقل در آینده نزدیک به‌طور جدی دولت را تضعیف کنند.

در سال ۲۰۱۰، ابوظبی سند «چشم‌انداز ۲۰۲۱ امارات متحده عربی» را منتشر کرد که دستور کار این کشور برای بهبود آموزش، توسعه فناورانه، زیرساخت و اقتصاد به شمار می‌رفت. از آن زمان، امارات متحده عربی دانشگاه‌ها، فرودگاه‌ها و مراکز شهر خود را گسترش داده، برنامه فضایی برتر خاورمیانه را تاسیس کرده، در نظام مالیاتی خود بازنگری انجام داده و ویزاهای جدید و طولانی‌مدت ویژه‌ای را با هدف جذب کارگران بسیار ماهر ایجاد کرده است. با این حال، این کشور در چندین حوزه بسیار مهم از اهداف خود عقب افتاده است. مثلا ابوظبی در انجام اصلاحات کاری که تغییر کارفرما را برای کارگران آسان‌تر کرده و در نتیجه چانه‌زنی برای دستمزدها را ممکن می‌سازد، شکست خورده و به اندازه کافی نیز برای جذب شهروندان اماراتی در نیروی کار خود تلاش نکرده است. اگرچه ابوظبی امروزه نسبت به گذشته کمتر به نفت وابسته است، اما رانت نفت هنوز هم ۱۵ درصد از اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد. البته صنعت بانکداری و گردشگری امارات -که امارات متحده عربی آن را آینده کشور خود می‌داند- همچنان قوی است، اما این صنایع هم تحت فشار فزاینده رقبای منطقه‌ای مانند سعودی‌ها، هستند.

امارات متحده عربی اکنون طرح جدیدی به نام «چشم‌انداز ۲۰۷۱» دارد که نسخه بلندپروازانه‌تر «چشم‌انداز ۲۰۲۱» می‌باشد. این بار، دولت اعلام کرده است که برای تنوع بخشیدن به اقتصاد، در صنایع بهداشتی، آموزشی و فناورانه سرمایه‌گذاری بیشتری انجام خواهد داد. دولت همچنین اظهار داشته که برای فاصله گرفتن از مصرف سوخت‌های فسیلی سخت‌تر کار خواهد کرد. در بیست و هشتمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد، امارات به حدود ۲۰۰ کشور کمک کرد تا با «انتقال از کربن» موافقت کنند. با این حال دلایلی وجود دارد که در صداقت امارات تردید کنیم. این کشور متعهد به افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت سوخت فسیلی خود در کوتاه‌مدت است و زمانی هم که نوبت به مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی می‌رسد، امارات تقریبا منحصرا در فناوری‌هایی مانند جذب کربن سرمایه‌گذاری کرده است که برای افزایش طول عمر بخش نفت طراحی شده‌اند. ابوظبی برای تحقق چشم‌انداز ۲۰۷۱ خود باید درباره تغییرات آب‌وهوایی جدی‌تر باشد. به‌علاوه، این کشور می‌بایست برای بهبود بهره‌وری شهروندان خود و تقویت امنیت کشور سرمایه‌گذاری مناسبی انجام دهد.

زنده ماندن

چشم‌انداز محمد بن‌زائد برای آینده ریشه در یک امر ساده دارد: بقا. خاورمیانه دارای یک محیط امنیتی خشن و بدون اغماض است و امارات متحده عربی به عنوان یک کشور کوچک در برابر آشفتگی به طور ویژه آسیب‌پذیر است. بنابراین، تضمین بقای حکومت خانوادگی و خود امارات متحده عربی ممکن است به ثروت و قدرت بیشتری نیاز داشته باشد.

تا اینجا محمد بن زائد به طور کارآمدی به بازیگری پرداخته است. امارات متحده عربی اکنون به نمونه موردی تبدیل شده است که نشان می‌دهد چگونه دولت‌های کوچک می‌توانند نقش بزرگی در سیاست و اقتصاد بین‌الملل ایفا کنند؛ درست مانند مدیچی‌ها. اما مدیچی‌ها نیز نهایتا از هم پاشیدند، زیرا این خاندان وحدت و دیدگاه مشترک خود را از دست داد. با گذشت قرن‌ها، اختلاف بر سر میراث و جانشینی، همراه با جناح‌های متخاصم داخلی، کنترل این خاندان را بر قدرت تضعیف کرد. در همین حال، ظهور خانواده‌های قدرتمند دیگر در ایتالیا، برتری مدیچی‌ها را به چالش کشید و در نتیجه دولت‌شهرهای مجاور دیگر قدرت گرفتند و اهرم سیاسی مدیچی‌ها را کاهش دادند. در نهایت، با حضور رهبران کمتر مستعد، این خاندان متحمل خسارات مالی و سیاسی قابل توجهی شد که منجر به نابودی سلسله مدیچی گردید.

محمد بن‌زائد و برادرانش با بسیاری از همان تنش‌هایی روبه‌رو هستند که درنهایت منجر به فروپاشی مدیچی‌ها شد. این خاندان در حال حاضر به خوبی با هم کنار می‌آیند، اما سابقه درگیری‌های درونی نیز دارند. این کشور توسط تعدادی کشور جسور احاطه شده است و درگیری‌های محلی می‌تواند به مرزهای آن نیز سرایت کند. امارات همچنین با چالش‌هایی روبه‌رو است که مدیچی‌ها سابقه آن را نداشتند. همان‌طور که محمد بن‌زائد به خوبی واقف است، ایالات متحده ممکن است همیشه شریک امنیتی خوبی نباشد. به‌علاوه، در درازمدت هم تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند منجر به افزایش دمای شدید و خشک‌سالی گردد و شبه‌جزیره عربستان را غیرقابل سکونت سازد.

تحقق جاه‌طلبی‌های جهانی به امارات متحده عربی کمک می‌کند تا از این چالش‌ها، به‌ویژه فاصله گرفتن از صنعت نفت، جان سالم به در ببرد. اما در نهایت، بهترین راه برای بقای این کشور، کنار آمدن با جغرافیای آن است.

اگرچه امارات متحده عربی ممکن است اکنون جلوتر از همسایگان خود به نظر برسد، اما بسیاری از دولت‌های دیگر به شدت در حال تعقیب این کشور و تضعیف امنیت آن هستند. در نتیجه، امارات به جای اینکه بخواهد به خارج از منطقه تکیه کند، باید متوجه باشد که امنیت و منافع اقتصادی بلندمدت آن توسط یک چهارچوب امنیت منطقه‌ای قوی‌تر بهتر تامین خواهد شد؛ فرآیندی که نیاز به همگرایی منطقه‌ای عمیق‌تر و سازوکارهای موثرتر حل مناقشه دارد. دعواهای درونی خانوادگی ممکن است درنهایت منجر به نابودی امارات شود -هیچ چیز برای همیشه دوام نمی‌آورد- اما اگر این کشور بر مشکلات جغرافیایی خود فائق نشود، زندگی در یک منطقه ناهموار و احاطه شدن از سوی قدرت‌های هژمونیک کلک آن را زودتر خواهد کند.

کوتاه سخن آنکه امارات متحده عربی باید بپذیرد که فارغ از میزان قدرت‌افکنی، همیشه از سوی ایران، عربستان سعودی و ترکیه محدود خواهد شد. هفت امیرنشین گریزی از محدودیت‌های فیزیکی خود ندارند و شرکای خارجی -هرچقدر هم که قول حمایت بدهند- به صورت تام و تمام به حمایت از این کشور برنخواهند خاست.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۹۰۶۸۰۰۶۸۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۰۲۸۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مالکیت خانم منیره ملازینل به شناسنامه شماره ۲۴۵۶ کدملی ۰۰۶۴۹۴۷۶۷۱ صادره از تهران فرزند محمدعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع پلاک شماره ۳۱ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین انتقالی برابر سند رسمی مشاعی سند قطعی غیرمنقول به شماره ۱۷۰۹۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ دفتر اسناد رسمی ۱ قزوین از منیژه و مریم آقالری تایید و محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ، رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱
صمد قدیم آبادی- رئیس ثبت اسناد و املاک
شماره شناسه ۱۶۸۹۸۹۶

IMPASCO
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران (سهامی خاص)
نوبت اول
آگهی مزایده عمومی شماره ۳-۱۴۰۳/۱ت
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران به نمایندگی از سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در نظر دارد مزایده عمومی «فروش ۶۸۰ هزار تن سنگ‌آهن دانه‌بندی تولیدی مجتمع سنگ‌آهن سنگان واقع در استان خراسان رضوی» را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ثبت ستاد ۱۰۰۳۰۰۱۰۲۸۰۰۰۰۰۱ و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۷۴,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (هفتادوچهار میلیارد و چهارصد و پنجاه میلیون) ریال، برگزار نماید. تاریخ انتشار مزایده در سامانه ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۶ و مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از سایت تا ساعت ۱۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ و مهلت زمان ارائه پیشنهادات حداکثر تا ساعت ۱۷ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ می‌باشد. علاقه‌مندان شرکت در مزایده می‌بایست جهت دریافت اسناد و همچنین جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی با شماره ۱۴۵۶ تماس حاصل نمایند و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند. ضمنا جلسه بازگشایی پاکات صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ برگزار می‌گردد.
شماره شناسه ۱۶۹۵۸۷۹
شماره م.الف ۱۴۸

مرتبه دوم
آگهی مزایده
شرکت توسعه گردشگری تمدن آزاد پارس (تگ‌تاپ) با سهام صددرصدی دانشگاه آزاد اسلامی
در نظر دارد نسبت به فروش دو واحد ویلایی واقع در استان مازندران، شهر بابلسر، شهرک دریاکنار، خیابان سوم، بن‌بست نهم، پلاک ۱۷۹ و کوچه یازدهم پلاک ۲۰۱ از طریق مزایده عمومی به صورت تک‌تک اقدام نماید.
لذا از کلیه افراد واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید حداکثر تا ساعت ۱۲ ظهر ۱۴۰۳/۲/۱ از تاریخ چاپ آگهی با ارائه فیش بانکی به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال واریزی به حساب شماره ۰۲۲۰۴۰۹۸۸۶۰۰۴ بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی کد ۱۰۱۷ در وجه شرکت توسعه گردشگری تمدن آزاد پارس به آدرس زیر مراجعه و نسبت به خرید اسناد مزایده و هماهنگی جهت بازدید از ملک اقدام نمایند.
زمان عودت اسناد مزایده تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۳/۲/۲ خواهد بود.
قیمت پایه مزایده (مبلغ پایه فروش) واحد ۱۷۹ ۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
قیمت پایه مزایده (مبلغ پایه فروش) واحد ۲۰۱ ۳۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار است.
ضمانت‌نامه شرکت در مزایده هرکدام از املاک معادل یک درصد مبلغ پایه بوده که می‌بایست توسط شرکت‌کننده در مزایده هرکدام جداگانه به صورت نقدی به شماره حساب ۰۲۲۰۴۰۹۸۸۶۰۰۴ و یا شماره شبا IR۴۹۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰۲۲۰۴۰۹۸۸۶۰۰۴ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی کد ۱۰۱۷ در وجه شرکت توسعه گردشگری تمدن آزاد پارس واریز و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی و یا چک صیادی ثبت‌شده در وجه شرکت تحویل گردد.
شرکت در رد یا قبول پیشنهاد و انعقاد قرارداد مختار است و تمام پیشنهادات مبهم و مشروط یا بدون تضمین مردود خواهد بود.
آدرس: تهران، خیابان شریعتی، دوراهی قلهک، خیابان پابرجا، بلوار آیینه، کوچه گل یخ پلاک ۱ طبقه ۷
هزینه‌های درج آگهی و کارشناسی‌های مربوطه به عهده نفر برنده مزایده می‌باشد.
سایر شرایط در اوراق مزایده درج گردیده است.
تلفن تماس: ۰۹۳۶۳۸۴۹۲۴۴-۰۲۱۲۲۶۴۰۴۹۹ (روزهای شنبه تا چهارشنبه ساعت ۸ لغایت ۱۵)

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY